

کارگران آموزش «کانون صنفی» را از سر راه مبارزه

خود کنار می‌زنند



مزدک / اسفند ۱۴۰۰

ما چانه زدن با صاحبان سرمایه و دولت آنها برای تکدی پیشیزی دستمزد افزونتر است. معلمان می‌گویند این حرف مزدوران، پاکاران و ایادی سرمایه برای منصرف نمودن ما از مبارزه علیه سرمایه داری است. ما می‌توانیم اعمال قدرت کنیم، کل سیستم آموزشی را مختل سازیم، اعتصاب سراسری اعمال کنیم و دولت سرمایه را مجبور به قبول مطالبات خود نمائیم.

کارگران آموزش می‌گویند ما معلمان، همگی کارگر و جزء لاینفک طبقه کارگر ایران و جهان هستیم. کانون با خشم و قهر می‌گوید چنین نیست، ما یک صنف کنار اصناف هستیم!! معلمان می‌گویند، صنف چه صیغه ای است؟ از گورستان کدام دوره تاریخی نبش شده است؟!، ما بخشی از طبقه کارگریم و با کل کارگران دیگر، هستی اجتماعی واحد، مبارزه واحد، دورنمای واحد پیکار، راهبرد مشترک مبارزه داریم و این فقط ارتجاع بورژوازی است که با شستشوی مغزی و همه سلاحهای دیگرش ما را از هم جدا می‌سازد.

خیلی از معلمان نهاد موسوم به «کانون صنفی» را سدی بر سر راه اعتراض روز و نیروئی فرساینده و مخرب برای پروسه مبارزات جاری خود می‌بینند. کارنامه کانون برای شمار روزافزونی از کارگران آموزش، تیره و تار است. کانون نشینان به معلمان می‌گویند برای تحقق خواست های خود به دولت سرمایه دخیل بندید، معلمان مخالف می‌گویند دهه ها این کار را کرده ایم، هیچ نتیجه ای نگرفته ایم و هر بار فرسوده تر و حقیرتر از پیش شده ایم. کانون می‌گوید در مقابل مجلس سرمایه دست به تحصن بزنید! کارگران آموزش عاصی می‌گویند ۴۰ سال آزموده ایم و نتیجه اش صرفا فرسودن و تباه نمودن قدرت اعتراض خود بوده است. کانون می‌گوید مبارزه قانونی کنید و خواستار اجرای قوانین شوید، جمعیت قابل توجهی از کارگران آموزش می‌گویند، تجربه توسل به قانون سرمایه منحل شدن قدرت طبقه ما در ساختار حاکمیت سرمایه بوده است. کانون می‌گوید هیچ راه دیگری نیست. سرنوشت مقدر

ما نمی‌باشند، معلم نیستند، تحصیلات معلمی نکرده‌اند، شأن و شوکت و جلال معلمی ندارند، پیوستن آنها به ما موجب اخلاص نظم، تمرد از قانون سرمایه و نقض حرمت صنف است!! معلمان فریاد می‌زنند که مانع سخنرانی همزنجیران کارگر ما نشوید، کانون می‌گوید، تحصن و اعتراض ما صنفی است و تمامی غیرخودی‌ها اخلاص گر و اهل اغتشاش و مقدمین علیه امنیت هستند. در یک کلام معلمان در «دلال» خویش و کانون در «ضلال» خود هر روز بیش از روز پیش از همدیگر جدا می‌گردند. حتی سران کانون مدام از منزوی شدن خویش شکوه می‌کنند.

کانون می‌گوید، این حرف «کمونئیست‌ها» است، هر که چنین گفت او را تحویل پلیس سرمایه دهید. معلمان فریاد می‌زنند، تحصن در مقابل امامزاده‌های سرمایه خفت بار است، به سراغ طبقه خود برویم. خواستار حمایت آنها گردیم. یک قدرت مستقل سراسری شویم. کانون می‌گوید، این عدول از دیوارهای آهنین صنف است، منافع صنف خود را پاس داریم، به عنوان یک صنف بر تحقق خواست‌های صنف تأکید کنیم!! کارگران آموزش‌اخطار می‌دهند و اعتراض می‌کنند که چرا مانع ورود کارگران دیگر به صف مبارزه ما می‌شوید؟! کانون می‌گوید، کارگران اهل صنف

